

## قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» در روایات تفسیری معصومین علیهم السلام مطالعه موردی: مفهوم فتنه در سیاق و خارج سیاق\*

□ الهه هادیان رسانی\*\*

### چکیده

یکی از سبک‌های بیانی قرآن، حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق است. ریشه این قاعده، به برخی روایات تفسیری معصومین علیهم السلام برمی‌گردد که آن بزرگواران در نقش تعلیمی خویش، برخی آیات، یا بخش‌هایی از آیات قرآن را با نگاه مستقل فراسیاقی به‌کاربرده و تبیین کرده‌اند. نخستین مرتبه علامه طباطبایی رحمته الله به این قاعده توجه کرده است. این قاعده بیانگر موضوع توسعه مفهوم آیات و جاودانگی قرآن کریم است. در این پژوهش، هفت نمونه از این فرازهای مستقل آیات در سیاق و خارج از سیاق در موضوع فتنه در روایات تفسیری معصومین علیهم السلام واکاوی شده است. از جمله این موارد، مفهوم فتنه در آیه ۷۳ سوره انفال است که در سیاق، مرتبط با مسئله عمل نکردن به دستور پیوند با مؤمنان و قطع رابطه با کافران است؛ ولی در خارج از سیاق، معصومین علیهم السلام از آن مفهوم عدم اهتمام به دین‌داری و امانت‌داری در امر خواستگاری و ازدواج را ارائه داده‌اند. در برخی موارد، معصومین علیهم السلام افزون بر بهره‌گیری از یک فراز آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق، با تعیین مصداق فتنه، به این مفهوم عینیت نیز بخشیده‌اند. دقت در این قاعده می‌تواند راهگشای خوبی برای رسیدن به انبوهی از معارف قرآنی باشد. کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، روایات تفسیری، قواعد تفسیر، فرازهای مستقل، حجیت.

---

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۴/۵.  
\*\* دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث تهران (hadian.e@hadith.ir).

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

بسیاری از قواعد و روش‌های تفسیری که مفسران با تکیه بر آن‌ها، آیات قرآن را تفسیر کرده‌اند، نخستین مرتبه از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام است. به عبارتی، ائمه معصومین علیهم‌السلام در نقش تعلیمی خویش، در بسیاری از روایات به چگونگی بهره‌گیری از قرآن کریم پرداخته‌اند و در بسیاری از ابواب حدیثی آن حضرات می‌توان چگونگی برداشت از قرآن کریم و نیز کاربرد صحیح ادله عقلی و نقلی در تفسیر قرآن را مشاهده نمود.

در این راستا، یکی از قواعدی که از طریق روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام به دست می‌آید، آن است که:

در قرآن کریم، در برخی آیات، ممکن است جملاتی، مستقل از مفادّی که در کنار سایر بخش‌های آیه دارد، مفید معنای مستقل دیگری هم باشد.

این نظریه یا قاعده که ما از آن به «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» تعبیر می‌کنیم، مانند بسیاری دیگر از قواعد تفسیری، ریشه در روایات معصومین علیهم‌السلام دارد و به عبارتی، مبنای آن، روایات معصومین علیهم‌السلام است.

در این پژوهش آهنگ آن داریم تا نمونه‌هایی از این فرازهای مستقل آیات در سیاق و خارج از سیاق را در روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام در موضوع فتنه و اکاوی کنیم.

## ۲. تبیین قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق»

یکی از سبک‌های بیانی قرآن کریم، حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق است و در این راستا یکی از روشن‌ترین و درخشان‌ترین مواردی که ائمه معصومین علیهم‌السلام در مقام تعلیمی خویش، به مخاطب، تعلیم داده‌اند آن است که جملات مستقل قرآن، در سیاق و خارج از سیاق کاربرد دارند.

به این معنی که در برخی روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام مشاهده می‌شود که آن بزرگواران بخشی از آیه شریفه قرآن را از سیاق بیرون آورده و خارج از سیاق معنی کرده‌اند.

ظاهراً ریشه این قاعده آن است که به تعبیر سید جعفر مرتضی عاملی، وحدت سیاق،

مستلزم وحدت موضوع و حکم نیست؛ زیرا ممکن است شیوه بیان ایجاب کند که گوینده بعضی از جنبه‌های دیگر مسئله مورد نظر را هم اگرچه از نظر طبیعت و ماهیت با آن اختلاف داشته باشد بیان کند (حسینی عاملی، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۳). سید جعفر مرتضی سپس به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد می‌کند (همان) که فرمودند:

لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرَّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآيَةَ لَتَكُونُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يَنْصَرَفُ عَلَى وُجُوهِ؛ هیچ چیزی مانند قرآن، از عقل و قیاس انسان به دور نیست؛ چه اول یک آیه درباره چیزی است و آخر آن درباره چیز دیگر و سخن متصلی است که قابل تصرف به چندین وجه است (عیاشی، بی تا: ۱/۱۲).

نظیر این روایت با اندکی تفاوت از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است و آن چه در این میان جلب توجه می‌کند، مثالی است که ائمه علیهم السلام در این باره بیان فرموده‌اند که همان آیه تطهیر است: «لیس شیء أبعد من عقول الرجال من تفسیر القرآن، إن الآية ينزل أولها فی شیء - و أوسطها فی شیء و آخرها فی شیء، ثم قال: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً» (همان: ۱/۱۷).

البته گاهی این گونه است که ارتباط آن فراز مستقل با سیاق کاملاً روشن است ولی گاهی این گونه است که ارتباط آن فراز با دیگر آیات سیاق و با ماقبل و مابعد خود روشن نیست و توجه دقیق به سیاق آیات سوره و نیز توجه به برخی آرایه‌های ادبی مانند آرایه ادبی استطراد، مشکل تنافی ظاهری بسیاری از این دست آیات را رفع می‌کند.

برای نمونه درباره آیه تطهیر، با بهره‌گیری از آرایه استطراد که مورد تأیید برخی روایات نیز هست، موضوع وحدت سیاق در عین تعدد موضوع و حکم در آیه شریفه و تناسب آیه شریفه با ماقبل و مابعد خود روشن می‌شود. به عبارتی، آیه شریفه ضمن استقلال در هویت و معنا، ارتباط با ماقبل و مابعد خود دارد و در نقطه اوج آیات سوره نیز استقرار یافته است و در ارتباط با ماقبل و مابعد خود نیز هشدار و تعریضی است نسبت به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله. در واقع، قرآن کریم می‌خواهد به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که

گروهی از آنان معصوم‌اند، کسی که در زیر درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته، سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد و فراموش نکند که انتساب او به خانواده‌ای که پنج معصوم پاک در آن است، مسئولیت‌های سنگینی برای او ایجاب می‌کند و خدا و خلق خدا انتظارات فراوانی از او دارند.

گفتنی است استطراد عبارت است از خروج از یک معنا و ورود به معنایی درخور توجه اصلی ولی در ظاهر بی‌ارتباط - و در واقع مرتبط - که با بازگشتی دوباره به معنای اول شکل می‌گیرد. این فن یکی از آرایه‌های نقش‌آفرین در تفسیر است و موجب می‌شود عبارت استطرادی نسبت به ماقبل و مابعد خود، از هویتی مستقل برخوردار بوده و ضمن یافتن هویتی مستقل، در چارچوب کلی آیه یا سوره، به دلیل وحدت موضوعی با آن‌ها، ارتباط درونی خود را حفظ نموده و در نقطه اوج کلام استقرار یابد (اقبال و الدبونی، ۱۳۹۸: ۲۸۳-۲۴۵).

### ۳. طرح قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» توسط علامه طباطبایی رحمته‌الله

ظاهراً در میان مفسران، نخستین مرتبه علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۱۵ سوره بقره - در بحث روایی ذیل آیه که بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام برداشت‌های گوناگون از فرازهای آیه شریفه شده است - به این قاعده بدین نحو توجه داشته و آن را این‌گونه مطرح کرده است که اگر به دقت اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام را درباره عام و خاص و مطلق و مقید قرآن دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم، به موارد بسیاری بر خواهیم خورد که از عام آن یک نوع حکم استفاده می‌شود و از همان عام به‌ضمیمه مخصّص آن، حکمی دیگر استفاده می‌شود، مثلاً از عام آن در غالب موارد، استحباب و از خاصّش، وجوب فهمیده می‌شود، و همچنین آنجا که دلیل نهی دارد از عامش کراهت و از خاصّش حرمت و همچنین از مطلق قرآن حکمی و از مقیدش حکمی دیگر استفاده می‌شود، و این خود یکی از کلیدهای اصلی تفسیر در اخباری است که از آن حضرات نقل شده و مدار عده بی‌شماری از احادیث آن بزرگواران بر همین معنا است. و با در نظر داشتن این مطلب، می‌توان در معارف قرآنی قاعده‌ای استخراج کرد:

هر جمله از جملات قرآنی به تنهایی حقیقتی را می‌فهماند و با هر یک از قیودی که دارد، از حقیقتی دیگر خبر می‌دهد، حقیقتی ثابت و لایتغیر و یا حکمی ثابت از احکام را؛ به‌عنوان مثال آیه شریفه: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (الانعام: ۹۱)، که چهار معنا از آن استفاده می‌شود، معنای اول از جمله: (قُلِ اللَّهُ) و معنای دوم از جمله: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ»، و معنای سوم از جمله «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ»، و معنای چهارم از جملات «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ». و می‌توان نظیر این جریان را تا آنجا که ممکن است در آیات دیگر قرآن نیز به دست آورد (طباطبایی، ۱۴۲۷: ۱/۲۵۹-۲۶۰)

تأمل در بسیاری از فرازهای قرآن کریم بیانگر این مطلب است و از برخی عبارتهای کوتاه در المیزان نیز این قاعده الهام گرفته می‌شود.

برای نمونه ذیل آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، علامه طباطبایی رحمته، معتقد است که این آیه «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» هرچند در خصوص واقعه احد نازل شده، ولی اطلاق لفظ، بیانگر آن است که به مورد یادشده، اختصاص ندارد (طباطبایی، همان: ۴/۵۶-۵۷).

و یا در آیه نفی سبیل (النساء: ۱۴۱)، اگر جمله «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» را به جمله قبل در آیه مربوط بدانیم و آن را در قالب سیاق در نظر بگیریم، مفاد آیه این است که روز قیامت، داوری به سود مؤمنان پایان خواهد یافت؛ ولی اگر آن را مستقل بدانیم، مفاد جمله شامل هر دو جهان می‌شود، یعنی کافران نه در دنیا و نه در آخرت، سیطره و ولایتی بر مؤمنان نخواهند داشت (طباطبایی، همان: ۵/۱۱۶)

و یا در آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (الاسراء: ۷)، سیاق آیات، خطاب به بنی اسرائیل است که این بخش آیه نیز در سیاق، به آنان مربوط است. باوجوداین، معنای آن، مستقل از سیاق مربوط، معنایی عام و مستقل است و بیانگر این اصل کلی است که: اصل بازگشت اثر و نتیجه هر عملی به انجام دهنده آن، اصلی جاری و عام و یکی از سنت‌های جاری الهی است (طباطبایی، همان: ۱۳/۴۰) که مورد خاص خطاب آن در سیاق درباره بنی اسرائیل، تنها نمونه‌ای انطباق پذیر بر آن محسوب می‌شود.

در آیه شریفه ۱۵۷ سوره اعراف نیز بر اساس این قاعده، این جمله آیه: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»، در قالب سیاق، مرتبط با همان مفهوم خاص مرتبط با آیات قبل و بعد یعنی اهل کتاب بوده و بیانگر آن است که پیامبر اسلام ﷺ، آنان را از اسارت زنجیرهای جهل و خرافات و بدعت‌ها نجات می‌دهد؛ ولی همین جمله به صورت جمله مستقل خارج از سیاق نیز حجیت داشته و همان‌گونه که شهید مطهری رحمته الله علیه، آن را در بحث کتاب «آزادی معنوی» آورده‌اند (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۳/۴۴۷)، دلالت می‌کند بر این اصل کلی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی آمدند تا بشریت را از قید و اسارت بردگی نفس و بردگی دیگران رها کنند و زنجیرهای جهل و خرافات و بدعت‌ها که استعدادها را معنوی بشریت را به اسارت خود درآورده بود و مانع رسیدن او به سعادت و خیرات می‌شد را برداشته و انسان‌ها را در مسیر آزادی معنوی، آزاد کنند.

گفتنی است دقت در این مطلب می‌تواند راهگشای خوبی برای رسیدن به انبوهی از معارف قرآنی باشد (اسعدی، ۱۳۸۵).

بر این اساس، درباره پیشینه موضوع، پس از طرح قاعده به صورت یادشده در تفسیر علامه طباطبایی رحمته الله علیه - که چه بسا بتوان آن را نخستین پیشینه موضوع در بیان و طرح قاعده فوق دانست - برخی پژوهش‌ها نیز در سال‌های اخیر درباره این قاعده صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد: «بررسی تطبیقی استناد به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی در تفاسیر المیزان و نمونه»، (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ش ۱۲) (پژوهش یادشده به بررسی کارکردها و نمونه‌های قرآنی این قاعده در دو تفسیر المیزان و نمونه پرداخته است)؛ «مطالعه انتقادی نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی» شریفی نسب و فقهی زاده، علوم قرآن و حدیث، ش ۱۰۷، ۱۴۰۰ (پژوهش یادشده با ارزیابی قاعده فوق بیانگر این مطلب است که نگرش فرا سیاقی بی ضابطه نسبت به آیات قرآن، توان اثبات مدعا درباره این قاعده را ندارد)؛ «حجیت مفاد فرازهای مستقل قرآن؛ رهیافت‌ها و زمینه‌ها (مطالعه موردی آیه ۱۸۹ بقره)»، محمد زاده و دیگران، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۱۶، ۱۳۹۹ (این پژوهش نیز با بررسی دلالت آیه ۱۸۹ سوره بقره در سیاق و استقلال مفاد آن

قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» در روایات تفسیری... ۱۳۱

خارج از سیاق، نشان می‌دهد که تفسیر این آیه شریفه در روایات بر پایه استقلال مفاد آن، قاعده‌ای است تفسیری و در عمل آموزشی است برای مفسران).  
وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های یادشده، بررسی قاعده یادشده در موضوعی خاص (فتنه) در روایات تعلیمی تفسیری معصومین علیهم‌السلام است.

#### ۴. نمونه‌هایی از کاربرد این قاعده در روایات

دقت در آیات حاوی موضوع فتنه نشان می‌دهد که درباره بسیاری از این آیات، ائمه معصومین علیهم‌السلام افزون بر بهره بردن از معارف هدایتی آیات در قالب سیاق، از آن آیات در خارج از سیاق نیز بهره برده و در قالب جملات مستقل خارج از سیاق، معارف هدایتی دیگری را برای مخاطب مطرح فرموده‌اند.

در این پژوهش نمونه‌هایی از این فرازهای مستقل آیات در سیاق و خارج از سیاق در موضوع فتنه در روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام واکاوی شده است.

روشن است که قاعده یادشده ضابطه‌مند در چهارچوب قواعد تفسیر و علوم قرآن و زبان است و نگاه فرا سیاقی بی ضابطه به آیات، اعتبار علمی و شرعی ندارد. این مطلب، در برخی پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (شریفی نسب و فقهی زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۳-۱۲۴).

همچنین به نظر می‌رسد این قاعده مرتبط باقاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» است که بر اساس آن، عموم لفظ یا اطلاق آن به مواردی غیر از سبب، تعمیم می‌یابد (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۱۲۳-۱۲۴).

۴-۱. نمونه نخست: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (الانفال: ۷۳)

مفهوم فتنه در سیاق (عمل نکردن به دستور پیوند با مؤمنان و قطع رابطه با کافران) و خارج سیاق (عدم اهتمام به دین‌داری و امانت‌داری در امر خواستگاری و ازدواج)

#### ۴-۱-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

در سیاق آیات ۷۲ تا ۷۵ سوره انفال، سخن از پنج گروه است: چهار گروه از مسلمانان که

در آیات ۷۲ و ۷۴ بدان‌ها پرداخته شده و یک گروه کفار که در آیه ۷۳ آمده است:

**گروه اول:** مؤمنانی که در مکه ایمان آورده بودند و پس از آن به مدینه هجرت کردند (مهاجران نخستین) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» خداوند برای این گروه، چهار صفت بیان کرده است: ایمان، هجرت، جهاد مالی و اقتصادی، و جهاد با خون و جان خویش در راه خدا.

**و گروه دوم:** مؤمنانی که در مدینه به پیامبر ایمان آوردند و به یاری و حمایت ایشان و مهاجران برخاستند (انصار) «وَ الَّذِينَ آوَأُوا وَ نَصَرُوا» خداوند برای این گروه، دو صفت ذکر کرده است: نخست «ایواء» (پناه دادن) و دوم یاری کردن سپس قرآن کریم با ذکر جمله «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» اینان را در برابر یکدیگر متعهد و مسئول معرفی می‌کند.

**گروه سوم:** کسانی که ایمان آورده ولی هجرت نکرده‌اند، که به تعبیر قرآن، از رابطه آنان، چیزی بر شما مقرر نیست [و تعهدی در برابر آنان ندارید]، مگر آن‌که [در راه خدا] هجرت کنند؛ و [تنها] اگر در [امر] دین از شما یاری طلبند، بر شما [واجب] است که آن‌ها را یاری کنید، مگر آن‌که [یاری‌دادن شما] به زیان گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان [ترك مخصوصه] برقرار است «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يَهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ». به عبارتی، دفاع از این گروه تنها در صورتی بر شما واجب است که در برابر دشمن مشترک قرار گیرید؛ ولی اگر در برابر کفاری که با شما پیمان بسته‌اند، واقع شوند، احترام به پیمان از دفاع از این گروه واجب‌تر است.

به چهارمین گروه مسلمانان یعنی «مهاجران بعدی» (آن‌ها که بعداً ایمان آوردند و به مهاجران پیوستند) در آیه ۷۵ اشاره شده است که می‌فرماید: و کسانی که بعد [از مؤمنان و نخستین مهاجران] ایمان آورده و هجرت کرده و همراه شما جهاد کردند، آنان از شما هستند [و ولاء و پیوند اخوت دینی میان شما و آنان برقرار است] «وَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ».



در آیه ۷۳ نیز به نقطه مقابل جامعه اسلامی، یعنی جامعه کفر و دشمنان اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» و کسانی که کفر ورزیده‌اند، [باوجود آنکه با یکدیگر اختلاف دارند؛ ولی در برابر شما] با یکدیگر هم جبهه‌اند [و خدا میان شما و آنان، رابطه‌ای مقرر نکرده است]؛ و اگر این [دستور پیوند با مؤمنان و قطع رابطه با کافران] را به کار نبندید، در زمین فتنه و فساد بزرگ روی خواهد داد

به عبارتی، در این آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد که پیوند کفار تنها با خودشان است، و شما حق ندارید با آن‌ها پیوندی داشته باشید، و از آن‌ها حمایت کنید و یا آن‌ها را به حمایت خود دعوت نمایید،

نه به آن‌ها پناه دهید و نه از آن‌ها پناه بخواهید، و به‌طور خلاصه آن‌ها نباید در تاروپود جامعه اسلامی داخل باشند، و نه شما در تاروپود جامعه آن‌ها.

سپس به مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر این دستور مهم اسلامی را نادیده بگیرید، فتنه و فساد عظیمی در زمین و در محیط جامعه شما به وجود خواهد آمد «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ».

موضع شاهد در بحث ما همین بخش آیه شریفه است: «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ».

#### ۴-۱-۲. به‌کارگیری یک فراز از آیه شریفه به‌عنوان فراز مستقل خارج از سیاق در روایات

در کنار مفهوم واژه «فتنه» در آیه شریفه و معنی مرتبط آن با سیاق، بر اساس برخی روایات، آیه شریفه خارج از سیاق نیز حجیت داشته و توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام در مفهوم دیگری (سخت‌گیری در امر ازدواج و عدم توجه به دین‌داری و امانت‌داری در خواستگاری) به‌کاربرده شده است که به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف) در روایتی حسین بن بشّار می‌گوید: نامه‌ای به امام جواد علیه‌السلام نوشتم درباره مردی که به خواستگاری دختر من آمده است؛ و امام علیه‌السلام در پاسخ به او نوشتند که اگر کسی به

خواستگاری آمد و شما از دین و امانت‌داری او راضی بودید، حتماً دختر را بدهید و در ازدواجش تلاش کنید که اگر این کار را نکنید، در زمین فتنه و فساد گسترده‌ای به وجود می‌آید «مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ كَأَنَّ مَنْ كَانَ فَرْوَجُوهُ وَ إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۳۹۳).

ب) در نقل دیگری علی بن مهزیار می‌گوید که علی بن اسباط در مورد دخترانش نامه‌ای به امام جواد علیه السلام نوشته و در آن بیان داشت که کسی را هم‌شان خویش [برای همسری دخترانش] نمی‌یابد. حضرت در پاسخش مرقوم فرمود: «از آنچه درباره‌ی دخترانت یادآور شدی و اینکه کسی را هم‌شان خویش نمی‌یابی آگاه شدم؛ خدا بر تو رحمت فرو فرستد، به هم‌شانی در ازدواج نیندیش چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کسی که اخلاق و دین‌داری او برایتان رضایت‌بخش است نزد شما [به خواستگاری] آمد او را همسر دهید؛ اگر این [دستور] را انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد» «فَهَمْتُ مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكَ وَ أَنْكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا مِثْلَكَ فَلَا تَنْظُرُ فِي ذَلِكَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرْوَجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۴۷؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷: ۷/۳۹۶، ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱۴۳).

این روایت از طرق دیگری نیز نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۷/۳۹۵).

ج) در روایت دیگری، ابراهیم بن محمد همذانی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که: «درباره‌ی ازدواج، نامه‌ای به امام باقر علیه السلام نوشتم. امام علیه السلام به خط خود جواب داد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «باکسی که از اخلاق و دینش رضایت دارید ازدواج کنید؛ اگر این [دستور] را انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد» (کلینی، همان: ۵/۳۴۷؛ طوسی، همان: ۷/۳۹۶).

این روایت نیز از طرق دیگری نقل شده است (همان).

د) در روایت دیگری از علی علیه السلام چنین نقل شده است که یک روز ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم فرمود: «اگر کسی که اخلاق و دین‌داری‌اش برایتان رضایت‌بخش است نزد شما [به خواستگاری] آمد او را همسر دهید». عرض کردم: «ای رسول خدا! حتی اگر از لحاظ حسب و نسب در مرتبه‌ی پائینی بود؟» حضرت ([برای بار دوم] فرمود: «اگر کسی که اخلاق و

قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» در روایات تفسیری... □ ۱۷

دین‌داری او برایتان رضایت‌بخش است نزد شما آمد او را همسر دهید؛ اگر این [دستور] را انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد» (طوسی، همان: ۳۹۴/۷).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در روایات یادشده، واژه فتنه خارج از سیاق آیات شریفه در مفهوم دیگری خارج از سیاق یعنی سخت‌گیری در امر ازدواج و عدم توجه به دین‌داری و امانت‌داری در خواستگاری به‌کاررفته است.

۴-۲. نمونه دوم: «و مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْتِنُنِي لِي وَ لَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ» (توبه: ۴۹)

مفهوم فتنه در سیاق (سرباززدن منافقان از شرکت در جهاد به بهانه فروافتادن در فتنه زنان) و خارج سیاق (فروافتادن اهل سقیفه در فتنه به ادعای واهی جلوگیری از فتنه پس از رحلت رسول خدا ﷺ)

#### ۴-۲-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

درباره شأن نزول این آیه شریفه گروهی از مفسران نقل کرده‌اند هنگامی که رسول خدا ﷺ مسلمانان را برای رفتن به جنگ تبوک بسیج می‌کرد، یکی از رؤسای طایفه «بنی سلمة» به نامه «جد بن قیس» که در صف منافقان بود خدمت رسول خدا ﷺ آمد و گفت اگر اجازه دهی من در این میدان جنگ حاضر نشوم زیرا علاقه شدیدی به زنان دارم مخصوصاً اگر چشمم به دختران رومی بیافتد، ممکن است دل از دست بدهم و مفتون آن‌ها شوم! و دست از کارزار بکشم! رسول خدا ﷺ او را معاف کرد و در این موقع آیه شریفه فوق نازل شد و عمل آن شخص را محکوم کرد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۱۰۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۳/۳۱۹؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۲۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۵۶)

۴-۲-۲. به‌کارگیری یک فراز از آیه شریفه به‌عنوان فراز مستقل خارج از سیاق در روایات

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود عبارت «اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ

بِالْكَافِرِينَ» در سیاق آیه ۴۹ سوره توبه، معنی مرتبط با سیاق را می‌دهد و در آیه در محکومیت منافقانی است که به بهانه واقع نشدن در فتنه زنان، از شرکت در جهاد سرباز می‌زدند و تعبیر آیه شریفه درباره آنان این است که آن‌ها هم‌اکنون خود در فتنه فرو افتاده‌اند و جهنم بر آنان احاطه دارد.

ولی همین فراز در بخشی از خطبه معجزه‌آسای حضرت زهرا علیها السلام - که بهتر است نام آن را به‌جای خطبه فدکیه، به «بازشناسی میراث بعثت» نام‌گذاری کنیم - آن حضرت بهره‌ای بیدارگر و تکان‌دهنده‌ای از این بخش از آیه شریفه به‌صورت مستقل درباره عمل اهل سقیفه برده‌اند آنجا که آن‌ها به ادّعی‌های واهی خود می‌خواستند از فتنه جلوگیری کنند درحالی که به تعبیر حضرت زهرا علیها السلام خود در فتنه فرو افتاده بودند و جهنم آن‌ها را احاطه کرده بود:

و أطلع الشيطان رأسه من مغرزه صارخا بكم فوجدكم لدعائه مستجيبين وللغرة فيه ملاحظين فاستهضكم فوجدكم خفافا و أجمشكم فألفاكم غضابا فوسمتم غير إبلکم و آوردتموها غير شربکم هذا و العهد قريب و الکلم رحيب و الجرح لما يندمل بدار [و فی نسخه إنما] زعمتم خوف الفتنة ألا فی الفتنه سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ فهيهات منكم و أنى بکم و أنى توفکون (ابن طیفور، بی‌تا: ۲۵؛ ابن حیون، ۱۴۰۹: ۳/۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۰۱).

حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه، یکی از نقاط ضعف جامعه اسلامی را پیروی از شیطان و پاسخ‌گویی به دعوت او می‌داند. آن حضرت به عمل شتاب‌زده اهل سقیفه اشاره می‌کند که عملی شیطانی بود و با تشبیه شیطان به لاک‌پشت که به هنگام از بین رفتن خطر سر خویش را داخل لاک خود بیرون می‌آورد، چنین تعبیر می‌فرماید که تا آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بود، شیطان در لاک خود بود و جرئت نمی‌کرد که از آن بیرون بیاید؛ ولی هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد و شمارا فراخواند؛ مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به‌آسانی این کار را انجام می‌دهید، شمارا به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که عهد نزدیک بود یعنی از زمان رحلت رسول خدا ﷺ مدت زمان زیادی نگذشته بود و پیامبر هنوز در قبر نهاده نشده بود، و شکاف زخمی که بر اثر وفات ایشان به وجود آمده بود، وسیع بود، و جراحت این مصیبت التیام نیافته بود. به سرعت و باکمال عجله به این کارها پرداختید تا به ادعای واهی خود از فتنه جلوگیری کنید و بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید درحالی که شما خود می‌دانید که در این ادعای خود دروغ‌گویانید و خود در فتنه سقوط کرده‌اید و به راستی که جهنم، کافران را احاطه کرده است «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۴۹) چگونه این اعمال را انجام دادید؟! و کجا می‌روید؟! و چگونه از حق انحراف می‌یابید!؟

۳-۴. نمونه سوم: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَ لَكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتِهِمْ فَتَبَطَّوهُمْ وَ قِيلَ افْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ \* لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لِأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ \* لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ» (توبه: ۴۶-۴۸)

مفهوم فتنه در سیاق (فتنه‌جویی منافقان و آشفته کردن و به هم ریختن امور) و خارج از سیاق (فتنه جمل، بنی‌امیه و مخالفان اهل بیت علیهم‌السلام)

### ۳-۴-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

در سیاق آیات ۴۶ تا ۴۸ سوره توبه یکی دیگر از نشانه‌های کذب و دروغ منافقین را بیان کرده و می‌فرماید که اگر آنها [راست می‌گفتند، و] قصد داشتند که [به‌سوی میدان جهاد] خارج شوند، قطعاً برای آن سازوبرگی تدارک می‌دیدند، ولی خداوند [به سبب نفاقشان]، از حرکت آنها [به‌سوی میدان جهاد] کراهت داشت؛ از این‌روی آنان را [با سلب توفیق، از حرکت] بازداشت [و مؤمنان را از خطر آنان رها کنید]؛ و [از درونشان به آنان ندا داده شد و] گفته شد: «با خانه‌نشینان [معذور از جنگ مانند کودکان و زنان و عاجزان]، بنشینید» (توبه: ۴۶).

در آیه ۴۷ نیز به این واقعیت اشاره می‌کند که عدم شرکت این‌گونه افراد در میدان جهاد نه تنها جای تأسف نیست بلکه شاید جای خوشحالی باشد، زیرا:

آن‌ها اگر [هم] با شما بیرون می‌آمدند [و رهسپار میدان جهاد می‌شدند]، جز شرّ و فساد به شما نمی‌افزودند، و درحالی‌که در پی فتنه‌انگیزی (تفرقه و اختلاف) میان شما بودند، به سرعت در میان شما رخنه می‌کردند؛

سپس به مسلمانان اخطار می‌کند که مراقب باشید افراد ضعیف الایمانی در گوشه و کنار جمعیت شما وجود دارند که زود تحت تأثیر سخنان این گروه منافق قرار می‌گیرند «وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ»: و در میان شما کسانی هستند که به سخنان آنان کاملاً گوش می‌سپارند؛ و خداوند به [حال] ستمکاران داناست (توبه: ۴۷).

و در آیه ۴۸ خداوند قسم یاد می‌کند و به پیامبر ﷺ هشدار می‌دهد که این اولین مرتبه‌ای نیست که این گروه منافق به ایجاد فتنه مشغول می‌شوند؛ بلکه آن‌ها پیش‌ازین هم فتنه‌جویی کرده و کارها را بر تو آشفته کردند [و به هم ریختند] والان نیز از هر فرصتی برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کنند؛ اما هیچ‌یک از این توطئه‌ها و تلاش‌ها به جایی نرسید، و همه نقش بر آب شد و سرانجام تا آنکه [یاری] حق آمد و امر خدا [که تحقق پیروزی شماست] آشکار شد، درحالی‌که آنان بسی ناخشنود بودند «حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ».

#### ۴-۳-۲. بهره‌گیری از فراز آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق در روایات

یکی از کاربردهای فرازی مستقل از آیات شریفه مذکور، در روایتی از امیرالمؤمنین عليه السلام در جریان جنگ جمل است که فرمودند:

إِنَّ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ بَايَعَانِي ثُمَّ نَقَضَا بَيْعَتِي فَكَانَ نَقْضُهُمَا كَرْدَتَيْهِمَا فَجَاهَدْتُهُمَا عَلَىٰ ذَلِكَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ (ابن ابی‌الحدید، ۳/ ۷۵؛ و ۳۶/ ۱۴؛ مجلسی، ۳۲/ ۳۶۸)؛ طلحه و زبیر با من بیعت کردند و سپس بیعت مرا شکستند و این بیعت‌شکنی آنان در حکم ارتداد بود و من بدین سبب با آنان جهاد کردم تا آنکه حق فرارسید و فرمان خدا آشکار گشت، درحالی‌که آن‌ها ناخشنود بودند.

نکته دیگر قابل توجه در این روایت آن است که امیرالمؤمنین علیه السلام، علاوه بر بهره‌گیری از یک فراز آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق، با تعیین مصداق فتنه بر طلحه و زبیر و پیمان‌شکنی آن‌ها در ماجرای جمل، این مفهوم تأویل به معنی تعیین مصداق را نیز عینیت بخشیده‌اند.

نمونه دیگر در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به نامه معاویه است:

... أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ أَخَا خَوْلَانَ قَدِمَ عَلَيَّ بِكِتَابٍ مِنْكَ تَذَكُّرٌ فِيهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهِ مِنْ الْهُدَى وَالْوَحْيِ وَالْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَهُ الْوَعْدَ وَ تَمَّمَ لَهُ النَّصْرَ وَ مَكَّنَ لَهُ فِي الْبِلَادِ وَأَظْهَرَ عَلَيَّ أَهْلَ الْعِدَاءِ وَالسَّنَنَانَ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ وَثَبُوا بِهِ وَ شَتَّفُوا لَهُ وَ أَظْهَرُوا لَهُ التَّكْذِيبَ وَ بَارَزُوهُ بِالْعِدَاوَةِ وَ ظَاهَرُوا عَلَيَّ إِخْرَاجِهِ وَ عَلَيَّ إِخْرَاجِ أَصْحَابِهِ وَ أَهْلِهِ وَ أَلْبَسُوا عَلَيْهِ الْعَرَبَ وَ جَامَعُوهُمْ عَلَيَّ حَرْبِهِ وَ جَهَدُوا فِي أَمْرِهِ كُلِّ الْجَهْدِ وَ قَلَّبُوا لَهُ الْأُمُورَ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ ... (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۰/۳۳؛ خویی، ۱۴۰۰:

۱۷/۳۲۸)؛ امّا بعد، آن برادر خولانی نامه‌ی تو را آورد که در آن محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یاد کرده و از نعمتی که خداوند، از هدایت و وحی، به او بخشیده سخن گفته بودی، سپاس خدای را که وعده او را راست آورد و پیروزی را برایش به کمال رساند و دستش را بر کشورها گشود و بر دشمنان و بدگویانش چیره کرد، او را بر کسانی از قوم خودش که بر او تاختند و کینه ورزیدند و درغگویش خواندند و دشمنی‌ها نشان دادند و بر بیرون راندن او و یاران و خویشانش هم‌دست شدند و عرب را بر ضدش برانگیختند و برای پیکار با او بسیج کردند و در کارش با نهایت سرسختی پای فشردند و عرصه را بر او تنگ ساختند، غالب فرمود و امر خدا آشکار می‌شود، درحالی‌که آن‌ها ناخشنود بودند.

در این نقل نیز امیرالمؤمنین علیه السلام، علاوه بر بهره‌گیری از فراز یادشده آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق، با تعیین مصداق فتنه بر بنی‌امیه، این مفهوم تأویل به معنی تعیین مصداق را نیز عینیت بخشیده‌اند.

نمونه دیگر بهره‌گیری از فراز یادشده آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق، در

توقیع امام زمان علیه السلام به یکی از شیعیان است که در بخشی از آن با استناد به آیه ۵۹ سوره نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» چنین آمده است: آیا این آیه جز به چیزی که تا قیام باقی خواهد بود امر نموده است؟! آیا ندیده‌اید که خداوند تعالی از زمان آدم علیه السلام تا زمان امام عسکری علیه السلام، برای خلق ملجأ و پناه قرار داده تا به آن پناه برند و نشانه‌هایی قرار داده که با آن هدایت شوند؟! و هرزمانی که نشانه‌ای پنهان شد، نشانه و حجت دیگری آشکار می‌شد و وقتی ستاره‌ای غروب می‌کرد، ستاره‌ی دیگری طالع می‌شد؟! وقتی خداوند امام عسکری علیه السلام را قبض روح فرمود، پنداشتید که خدا سبب بین خود و خلقش را قطع نموده است! هرگز چنین نیست و چنین نخواهد بود، «وَ لَا يَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ يَظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ» (توبه: ۴۸) و توقیع با این عبارت پایان می‌یابد که: خداوند زمین را از حجت خدا خالی نمی‌گذارد (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۸۷/۲؛ بهاء‌الدین نیلی نجفی، ۱۳۶۰: ۱۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۱۴۳/۱-۱۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۸؛ مجلسی، همان: ۱۸۵/۵۳).

۴-۴. نمونه چهارم: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (النور: ۶۳)

مفهوم فتنه در سیاق (سرپیچی از فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) و خارج سیاق (نتیجه سرپیچی از فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از رحلت آن حضرت و نیز نتیجه سرپیچی از توصیه‌های معصوم علیه السلام، فتنه و عذاب دنیوی و اخروی)

#### ۴-۴-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

آیه این آیات شریفه در بیان ضرورت اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم است و در این آیه شریفه نیز می‌فرماید:

دعوت [و فراخوانی] پیامبر [به سوی هر امری از امور دنیا یا آخرت] را در میان خودتان مانند دعوت و فراخواندن بعضی از شما از بعضی دیگر قرار ندهید؛ [زیرا او هنگامی که شما را برای مسئله‌ای فرامی‌خواند، حتماً یک موضوع مهم الهی و دینی



است و فرمانش فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است. [خداوند کسانی از شمارا که [پس از دعوت پیامبر،] دزدانه و با پنهان شدن پشت سر دیگران آهسته [از نزد او] می‌گیرند، می‌شناسد. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید بترسند از این که فتنه [و بلایی] دامن‌گیرشان شود یا عذابی دردناک به سراغشان آید.

#### ۲-۴-۴. بهره‌گیری از فراز آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق در روایات

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در آیه شریفه یادشده نتیجه سرپیچی از فرمان رسول خدا ﷺ را فتنه و گرفتاری دنیوی و اخروی ذکر می‌فرماید؛ چنان‌که در برخی روایات به‌صورت مصداقی به نتیجه ملموس این فتنه و عذاب دنیوی و اخروی - با اشاره به یک فراز آیه شریفه به‌صورت نگاه خارج از سیاق آیه - اشاره شده است؛ که برای نمونه به دو مورد از روایات اشاره می‌نماییم:

الف) در روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت پس از استشهاد به آیاتی که دعوت به اطاعت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید - مانند آیات ۵۹ و ۸۰ سوره نساء - به سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره امامان بعدی از ذریه ایشان به‌عنوان گوهر گران‌بهای در کنار قرآن کریم اشاره فرموده و به آیه شریفه ۶۳ سوره نور «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» به‌عنوان ترغیب مردم به اطاعت دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ترساندن از مخالفت امر ایشان اشاره می‌فرماید. امام صادق علیه السلام در ادامه این روایت، این چنین به وقایع تاریخی اشاره می‌فرمایند که در اثر مخالفت امر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره عترت آن حضرت به وجود آمد:

و آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت شد و فرمان او به دور افکنده شد و برخلاف دستورش درباره‌ی عترت رفتار شد و در کارشان استبداد نمودند و به دستور عترت رفتار نکردند و حق آنان را انکار نمودند و از سهم الارث آنان جلوگیری کردند و همگی از راه حسد و ستم و دشمنی علیه آنان همدست شدند بر کسانی که مخالفت با امر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کردند و نسبت به ذریه‌ی آن حضرت گناهکار شدند

[و بر پیروانشان و کسانی که به کارهای مخالفین راضی بودند] و عده‌ای که خداوند بر آنان داده بود محقق گردید و فتنه در دین را هرچه زودتر بر ایشان پیش آورد که از دیدن راه راست کور شدند و در احکام و خواسته‌ها به اختلاف افتادند و در رأی‌ها تشّت روی داد و کورکورانه راه پیمودند و در قیامت به‌روز بازخواست نیز شکنجه دردناک را برای آنان آماده فرمود. و ما می‌بینیم که خداوند عزّوجلّ در صریح قرآن کيفری را که به گروهی از مردم داده است بیان فرموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»؛ این عمل، [روح] نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل‌هایشان برقرار ساخت. این به خاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و به خاطر آن است که دروغ می‌گفتند (توبه: ۷۷) می‌بینیم که خداوند، نفاقی را که در دل‌های آن‌ها به‌جای گذاشته به‌عنوان کيفر و جزای مخالفت وعده‌ی آن‌ها قرار داده بود و آنان را منافق نامیده است (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۵۵).

ب) در روایتی دیگر، حسین بن عمر بن یزید از پدرش نقل می‌کند:

در مدینه بودم و شترانی خریدم که بسیار خوشم آمد. بعد نزد امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم و ماجرای خود را گزارش کردم. امام کاظم علیه السلام فرمود: تو را با شترداری چه کار است؟ مگر نمی‌دانی که شترداری گرفتاری فراوان دارد؟ اما من به شترها بسیار خوش‌بین بودم و از این رو آن‌ها را به کرایه دادم و با غلامان خود به کوفه فرستادم؛ ولی همه آن‌ها از بین رفتند. بعدها به خدمت امام علیه السلام رسیدم و موضوع را عرض کردم. ایشان این آیه را قرائت فرمود: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نور: ۶۳) (کلینی، همان: ۵۴۳/۶).

۴-۵. نمونه پنجم: «إِنَّ الَّذِينَ فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ

جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (بروج: ۱۰)

مفهوم فتنه در سیاق (جنایات عظیم شکنجه‌گران اصحاب اخدود در سوزاندن مؤمنان) و

خارج سیاق (دشمنی دشمنان اهل بیت علیهم السلام)

#### ۴-۵-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

در سوره بروج، پس از بیان جنایت عظیم شکنجه‌گران اقوام پیشین (اصحاب اخدود) که مؤمنان با استقامت را زنده‌زنده در آتش می‌سوزاندند، در آیه دهم به کیفر سخت الهی نسبت به آن شکنجه‌گران و پاداش‌های عظیم مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (البروج: ۱۰)؛ قطعاً کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه کرده و در آتش سوزاندند (اصحاب اخدود) [و هر کس دیگری که چنین کند،] سپس توبه [هم] نکردند [و نکنند]، عذاب جهنم و عذاب آتش شعله‌ور خواهند داشت.<sup>۱</sup>

#### ۴-۵-۲. بهره‌گیری از فراز آیه شریفه به‌عنوان جمله مستقل خارج از سیاق در روایات

امام صادق علیه السلام، در روایتی با بهره از فراز پایانی این آیه شریفه، آن را درباره دشمنان اهل بیت علیهم السلام به‌کار برده‌اند. در این روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سیزده صنف از امت و یا [بنا بر نقلی دیگر،] شانزده صنف از امت جدّم محمد صلی الله علیه و آله ما را دوست ندارند و مردم را به دوستی ما و انمی دارند، دشمن ما می‌باشند و پیروی از ما نمی‌کنند و ما را وامی‌گذارند و مردم را از ما دور می‌کنند اینان به تحقیق دشمنان ما هستند، آتش دوزخ از آن‌ها است و عذاب سوزناک از آن‌ها است. «لَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (بروج: ۱۰؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۲/۳؛ مجلسی، همان: ۲۷۸/۵؛ و ۲۱۰/۶۹).

۴-۶. نمونه ششم: «قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ \* فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ \* إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ \* وَإِنْ أَدْرَىٰ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (الانبیاء: ۱۱۱).

مفهوم فتنه در سیاق (آزمایش برای آشکار شدن آنچه در نهان اشخاص است) و خارج

سیاق (آزمایش‌های الهی در موقعیت‌های گوناگون)

#### ۴-۶-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

در این سیاق آیات، بر این نکته بنیادی تأکید شده است که تمام دعوت رسول خدا ﷺ در اصل توحید خلاصه می‌شود:

[ای پیامبر!] بگو: «به من فقط وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس آیا تسلیم [حق] می‌شوید؟». پس اگر روی برتافتند بگو: «به [همه] شما به‌طور یکسان اعلام کردم، و نمی‌دانم آنچه [بدان] وعده داده می‌شوید، آیا نزدیک است یا دور؟». به یقین، او سخن آشکار [ی که در طعن و استهزای دین بر زبان می‌رانید] را می‌داند و [نیز] هر آنچه را که [از عداوت و نقشه و توطئه بر ضدّ دین تدارک می‌بینید و آن را] پنهان می‌دارید، می‌داند [و هیچ چیزی بر او پوشیده نیست]. «و من نمی‌دانم؛ شاید این [هشدار من و تأخیر عذاب]، آزمایشی برای شما باشد [تا آنچه را که در نهان دارید آشکار شود؛ و نیز مهلت] بهره‌مندی [از دنیا] تا مدّتی [معین] باشد.

#### ۴-۶-۲. بهره‌گیری از فراز آیه شریفه به عنوان جمله مستقل خارج از سیاق در روایات

در برخی روایات به آیه ۱۱۱ سوره انبیاء با نگاه فراز مستقل، در بیان آزمایش‌های الهی در موقعیت‌های گوناگون استشهاد شده است که به برخی از این موارد اشاره می‌نمایم:

الف) هنگامی که پیمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه انجام شد، معاویه از امام علیه السلام خواست که در مقابل مردم سخن بگوید و به آن‌ها اطلاع دهد که با معاویه بیعت کرده و کار را به او واگذار نموده است. حضرت پذیرفت و مردم جمع شدند و حضرت خطبه‌ای خواند و حمد و ثنای الهی گفت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و از جمله مطالبی که فرمود این بود که:

ای مردم! زیرک‌ترین زیرک‌ها، متقی است؛ و احمق‌ترین احمق‌ها، فاجر و گناهکار است؛ و به‌درستی که اگر بین جابلقا و جابلسا [= شرق و غرب عالم] جستجو کنید مردی را نمی‌یابید که جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، غیر از من و برادرم حسین؛ و می‌دانید که خداوند با جدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله شمارا هدایت کرد و از گمراهی نجات داد و از جهالت بیرون آورد و بعد از ذلت، لباس عزت پوشاند و بعد از کمی و قلّت، فراوانتان کرد.

همانا معاویه به نزاع با من پرداخت در حقی که از آن من بود، نه از آن او؛ و من تأملی کردم در صلاح امت و برانداختن فتنه، و شما هم با من بیعت کرده بودید که با کسی که مسالمت ورزم مسالمت ورزید؛ و با کسی که بجنگم بجنگید، و چنان دیدم که با معاویه مسالمت در پیش گیرم و جنگ بین من و او را فروگذارم، و با او بیعت کردم و دیدم که حفظ خون‌ها بهتر از ریختن آن است از این کار جز صلاح و بقای شمارا نمی‌خواستم «وَ إِنْ أَدْرَى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» (انبیاء: ۱۱۱)؛ (و چه می‌دانم؟! شاید این فتنه‌ای برای شما باشد و متاعی محدود) (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۷۱/۱).

ب) در روایت دیگری، از شعبی نقل شده است: هنگامی که امام حسن علیه السلام در نخیله با معاویه صلح نمود من نزد آن حضرت رفتم. معاویه به امام حسن علیه السلام گفت: «برخیز و به مردم بگو که من از مقام خلافت دست برداشتم و آن را به معاویه تسلیم نمودم». امام حسن علیه السلام برخاست و پس از اینکه حمد و ثنای خدا را به جا آورد فرمود: «زیرک‌ترین مردم کسی است که تقوا داشته باشد، و احمق‌ترین افراد شخصی است که تبهکار باشد این مقام خلافت که من و معاویه درباره‌ی آن اختلاف داریم اگر حق وی باشد، او از من احق به آن است. و اگر حق من باشد من آن را به منظور صلاح امت و نریختن خون امت واگذار نمودم. «وَ إِنْ أَدْرَى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» (الانبیاء: ۱۱۱؛ همان: ۵۶۶/۱).

ج) امام کاظم می‌فرماید: شب چهارشنبه در خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم فرمود: «ای موسی! تو را از روی ستم زندانی کرده‌اند». عرض کردم: «آری یا رسول‌الله! مظلوم زندانی شده‌ام. [سه مرتبه تکرار فرمود] بعد این آیه را تلاوت فرمود: «وَ إِنْ أَدْرَى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» (انبیاء: ۱۱۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۷۵/۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۴/۱؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۱۶۶؛ کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۵۴؛ همو، ۱۴۰۵: ۱۸۰).

۴-۷. نمونه هفتم: «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ \* وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَ صَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَ صَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (مائده: ۷۱).

مفهوم فتنه در سیاق (آزمایش و عذاب بنی اسرائیل و کری و کوری آنان از دیدن و شنیدن حق) و خارج سیاق (آزمایش مردم درباره امیرالمؤمنین علیه السلام).

#### ۴-۷-۱. مفهوم فتنه در سیاق آیات

سیاق آیات شریفه درباره اهل کتاب و در دو آیه ۷۰ و ۷۱ این سوره، درباره بنی اسرائیل است که در آیه ۷۱ می فرماید:

و [یهودیان] پنداشتند که آزمایش و عذابی [برایشان] وجود ندارد؛ در نتیجه از دیدن و شنیدن [حق] کور و کر شدند. آنگاه خداوند [باز] رحمت و بخشش خود را شامل حال آنان کرد؛ ولی پس از آن [دوباره] بسیاری از آنان، کور و کر شدند. و خداوند به آنچه انجام می دهند، بیناست.

#### ۴-۷-۲. بهره‌گیری از فراز آیه شریفه به عنوان جمله مستقل خارج از سیاق در روایات

در روایت دیگری، در نگاهی مستقل به این فراز آیه شریفه، «فتنه» به امتحان مردم پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل شده و کوری و کسانی از آن زمان تا به امروز تبعیت از ایشان نداشته‌اند (قمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۷۵-۱۷۶؛ مجلسی، همان: ۳۷/ ۳۴۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱/ ۶۵۸).

و در روایت دیگری به مخالفین و دشمنان امیرالمؤمنین که مورد فریب شیطان قرار گرفته‌اند، تأویل شده است (ثقفی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۲۷-۲۲۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۳۱-۱۳۲؛ مجلسی، همان: ۳۳/ ۴۰۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۲/ ۲۸-۲۹).

### نتیجه

از تحقیق و پژوهش فوق نتایج زیر به دست می آید:

۱. نگاه مستقل و فراتر از سیاق به برخی فرازها و فقرات قرآنی در تفسیر، نشانگر جامعیت و جهان‌شمولی و زمان‌شمولی قرآن کریم در همه اعصار و دوران به‌عنوان کتاب هدایت است.

۲. ظاهراً ریشه این قاعده آن است که وحدت سیاق، مستلزم وحدت موضوع و حکم

نیست؛ به این معنی که گوینده ممکن است افزون بر طرح موضوع در قالب سیاق، بعضی از جنبه‌های دیگر مسئله موردنظر را نیز اگرچه از نظر طبیعت و ماهیت با آن سیاق اختلاف داشته باشد، بیان کند. البته گاهی این‌گونه است که ارتباط آن فراز مستقل با سیاق کاملاً روشن است ولی گاهی این‌گونه است که ارتباط آن فراز با دیگر آیات سیاق و با ماقبل و مابعد خود روشن نیست.

۲. در بسیاری از روایات تفسیری، معصومین علیهم‌السلام به بهره‌وری از این سبک پرداخته و برخی آیات یا بخش‌هایی از آیات قرآن را با نگاه مستقل فرا سیاقی به‌کاربرده و تبیین فرموده‌اند که در این پژوهش هفت نمونه از آیات قرآن کریم با نگاه درون سیاقی و فراتر از سیاق به‌عنوان فراز مستقل، در موضوع فتنه در روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام واکاوی گردید.

۳. نتیجه بررسی این هفت نمونه نشان داد که ائمه معصومین علیهم‌السلام با تبیین این روش درباره برخی آیات در حقیقت در پی تعلیم چگونگی جری و تطبیق بر مصادیق و بهره بردن از معارف هدایتی قرآن در اعصار و دوره‌های گوناگون بوده‌اند؛ مانند ماجرای اصحاب اخذود در سوره بروج که در برخی روایات تأویلی، بر دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق داده‌شده و آیه شریفه دهم سوره بروج به‌عنوان جمله مستقل خارج سیاق در این مورد استعمال شده است.

## پینوشت

.....

۱. حرف فاء در «فَلَهُمْ عَذَابٌ...» رابطِ جوابِ شبه شرط است. توضیح آن که: شبه شرط و شبه جواب شرط، مبتدا و خبری هستند که بین آنها، حرف فاء داخل شده است تا عمومیت مبتدا و سببیت آن را برای خبر نشان دهد؛ زیرا در حالت عادی، میان مبتدا و خبر، حرفِ فاء قرار نمی‌گیرد. و از آنجا که با وارد شدن حرف فاء در خبر، مبتدا مانند یک اسم شرط، عمومیت پیدا می‌کند و نیز مانند یک اسم شرط، سببِ مابعد از خود می‌شود، و در این حال، فعل جمله - حتی اگر ماضی هم باشد - زمانش آینده خواهد شد و به شکل مضارع ترجمه می‌شود، لذا این نوع مبتدا و خبر را شبه شرط و شبه جواب و فاء بین آنها را فاء ربط می‌نامند (ر.ک: حسن، ۱/ ۴۸۸). حال در آیه ۱۰ سوره بروج، وجود حرف فاء بر سر خبر می‌فهماند که: نه تنها کسانی که آن مومنین را در واقعه اخدود سوزاندند، عذاب جهنم خواهند داشت؛ بلکه می‌فهماند این عذاب به خاطر کار آنهاست؛ در نتیجه هر کس دیگری نیز این کار را انجام دهد، عذاب جهنم خواهد داشت. به عنوان مثال در باره آیه ۲۷۴ سوره بقره نیز همین قاعده جاری است «الَّذِينَ يَنْفُقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مستفید، ۱۳۹۰: ۳۹۲-۳۹۳). این قاعده در ترجمه‌های قرآن، مغفول مانده است؛ ولی ما در ترجمه‌ای که ارائه کرده‌ایم، سعی نموده‌ایم تا این قاعده را نیز مورد توجه قرار دهیم.



## کتابنامه

### قرآن کریم.

- ابن أبی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی‌الحدید، تحقیق و تصحیح ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، الغيبة للنعمانی، تحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح لاجوردی، مهدی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق
- \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق و تصحیح حسینی جلالی، محمد حسین، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، قم، دارالرضی، ۱۳۳۰ق.
- \_\_\_\_\_، فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب، تحقیق و تصحیح خفاف، حامد، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- ابن طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی، بی تا.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، تحقیق و تصحیح فرجی، مجتبی، قم، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ق.
- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق و تصحیح رسولی محلاتی، سید هاشم، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- اسعدی، محمد، سایه‌ها و لایه‌های معنایی، درآمدی بر «نظریه معناشناسی مستقل فرازهای

- قرآنی در پرتو روایات تفسیری»، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- اقبال، ابراهیم و الدبونی، سیده نفیسه، «آرایه استطراد و تأثیر آن در تفسیر آیات قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۸.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- بهاء‌الدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجة عليه السلام، تحقيق و تصحيح حسینی کوه کمری، عبداللطیف، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۶۰.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، تحقيق و تصحيح حسینی، عبدالزهراء، قم، دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالانصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- \_\_\_\_\_ الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، تحقيق و تصحيح القائینی، محمد بن محمد الحسين، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶.
- حسن، عباس، النحو الوافی مع ربطه بالأساليب الرفیعة و الحياة اللغوية المتجددة، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- حسینی عاملی، سید جعفر مرتضی، اهل بیت فی آیه التطهیر دراسة و تحلیل، قم، مرکز نشر و ترجمه آثار علامه محقق سید جعفر مرتضی عاملی، ۱۳۹۶.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحيح رسولی، هاشم، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقيق زمردی، فواز احمد، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- شرفی نسب و فقهی زاده، «مطالعه انتقادی نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی» علوم قرآن و حدیث، ش ۱۰۷، ۱۴۰۰.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، تحقيق ارادتی، اصغر، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
- \_\_\_\_\_ المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظیم، اربد، دار الكتاب الثقافی، ۲۰۰۸.

قاعده «حجّیت فرازهای مستقل قرآن در سیاق و خارج از سیاق» در روایات تفسیری... □ ۳۳

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق و تصحیح خرسان، محمدباقر، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح یزدی طباطبائی، فضل‌الله؛ رسولی، هاشم، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق و تصحیح خرسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

\_\_\_\_\_، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق رسولی، هاشم، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.  
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق موسوی جزایری، طیب، قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۳۶۳.

کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الأمين و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.

\_\_\_\_\_، المصباح للكفعمی، قم، دار الرضی (زاهدی)، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

مستفید، حمید رضا، اجزاء ۲۶ تا ۳۰ قرآن کریم با ترجمه و توضیحات لغوی ادبی، تهران، حنیف، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۲.

نصر بن مزاحم، وقعة صفتین، تحقیق و تصحیح هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق زغلول، کمال بسیونی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۱ق.

هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ترجمه حسن زاده آملی، حسن و کمرهای، محمدباقر، تحقیق و تصحیح میانجی، ابراهیم، تهران، مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.

